

## بررسی یک گزارش ویژه از حدیث لوح (وَالْخَلْفُ مُحَمَّدٌ يُخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةً يَبِيضَاءَ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ)

مسلم کامیاب<sup>۱</sup>

### چکیده

شیخ طوسی در کتاب امالی گزارش جابر بن عبدالله انصاری از لوح فاطمه ع را از استاد خود ابومحمد فحام نقل کرده است. انتهای حدیث به ابری سفید اشاره دارد که با زبان عربی فصیح به طوری که جن و انس شرق و غرب، آن را می‌شنود حضرت حجت ع را معرفی می‌کند. با توجه به گزارش‌های متعدد حدیث لوح این گزارش با توجه به فقره پایانی آن، که از یک اعجاز سخن می‌راند، صحت و عدم صحت آن و انتساب آن به میراث شیعی، درخور توجه است.

نوشتار پیش رو که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است، در صدد بررسی این قسمت از روایت است. نتایج به دست آمده، حکایت دارد که روایت، ضعف سندی دارد و علاوه بر آن، فقره پایانی روایت در دیگر احادیث لوح ذکر نشده است و با قرآنی، احتمال انتقال انتهای متن آن از اهل سنت به متون شیعی وجود دارد.

**کلیدواژگان:** مهدویت، اعجاز، حدیث لوح، امام مهدی ع، علی ع رأسه غمامه.

## ۱. مقدمه

حدیث لوح، گزارش جابر بن عبدالله انصاری از لوحی است که در اختیار فاطمه علیها السلام بوده و اسامی امامان علیهم السلام و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله را در آن ذکر کرده است. در برخی گزارش‌ها، این لوح، سبزرنگ، زیبا، بهشتی و به عنوان هدیه الهی توصیف شده است. امام باقر علیه السلام نیز نسخه‌ای از این لوح در اختیار داشته که همانند نسخه جابر بن عبدالله انصاری بوده و با آن، مقابله شده است. مجموعه گزارش‌های مرتبط با حدیث لوح، در کتب کهن و مشهور حدیث شیعی، همانند: کافی<sup>۱</sup>، من لایحضره الفقیه<sup>۲</sup>، عیون أخبار الرضا<sup>۳</sup>، خصال<sup>۴</sup>، إرشاد مفید<sup>۵</sup>، غیبة طوسی<sup>۶</sup> و ... آمده است. افزون بر این، در بسیاری از کتاب‌هایی که در موضوع امامت تألیف شده‌اند نیز این گزارش به چشم می‌آید.

فراوانی کتب کهن و معتبر شیعه در گزارش لوح، همراه با تعدد طرق و اسناد این گزارش، گونه‌ای شهرت روایی پدید می‌آورد که سبب پدید آمدن وثوق نوعی به اعتبار آن خواهد شد.<sup>۷</sup> این حدیث در بیشتر نقل‌ها نقاط مشترکی دارد و آن، اثبات ائمه دوازده‌گانه علیهم السلام است؛ اما در نقلی، در فراز پایانی آن به وقایع ابتدایی عصر ظهور و معرفی امام اشاره دارد که با سایر نقل‌ها متفاوت است. در این نقل بعد از معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آمده است:

وَ الْمُخَلَّفُ مُحَمَّدٌ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ بَيْضَاءُ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ، يُنَادِي بِلِسَانٍ فَصِيحٍ يُسْمِعُهُ الثَّقَلَيْنِ وَ الْخَافِقَيْنِ، وَ هُوَ الْمُهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا.<sup>۸</sup>

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۵۲ و ص ۳۹۱، ح ۱۵۳.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۵۴۰۸.

۳. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۶، ح ۵ و ۶.

۴. صدوق، خصال، ص ۴۷۷، ح ۴۲.

۵. شیخ مفید، إرشاد، ص ۳۹۱، ح ۱۵۴.

۶. طوسی، الغیبة، ص ۳۹۳، ح ۱۵۵، الغیبة طوسی، ص ۱۴۳، ح ۱۰۸.

۷. محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی «عجل الله فرجه» بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱، ص ۳۹۶.

۸. «و جانشین [برای امام عسکری علیه السلام]، محمد است که در آخر الزمان قیام می‌کند؛ در حالی که بر سرش ابری سپید است که در برابر خورشید بر او سایه می‌افکند و با زبان عربی فصیح که جن و انس و شرق و غرب، آن را می‌شنود ندا درمی‌دهد: او مهدی از آل محمد است که زمین را همان‌گونه که پراز ستم شده است از عدل پر می‌سازد»: طوسی، امالی، ص ۲۹۱-۲۹۲.

از آنجا که عبارت مذکور دارای نوعی اعجاز و کرامت در معرفی حضرت است، چند سؤال قابل طرح است؛ از جمله اعتبار سندی این گزارش چگونه قابل ارزیابی است؟ بررسی روایات هم خانواده حدیث لوح مؤید این گزارش است یا نه؟ آیا قرائن و شواهدی بر غیر شیعی بودن این گزارش وجود دارد؟ آنچه در این نوشتار خواهد آمد، بررسی این روایت در منابع اسلامی و همچنین انطباق آن با بن‌مایه‌های اعتقادی شیعه به منظور تبیین این جریان با روش توصیفی-تحلیلی است؛ از این رو نوشتار پیش رو در صدد پاسخ به سوالات مذکور است. درباره پیشینه این پژوهش، گفتنی است تنها در کتاب‌های حدیثی که در ادامه خواهد آمد این گزارش نقل شده و ارزیابی دقیقی درباره آن صورت نگرفته است.

### بررسی منابع

منبع اولیه این حدیث امالی شیخ طوسی (مجلس یازدهم) است.<sup>۱</sup> سپس عماد الدین طبری

۱. امالی در لغت از املاء گرفته شده است. «املاء» از ریشهٔ ملو در لغت، به معنای کشیده شدن و امتداد است؛ به همین سبب به زمان طولانی «ملاوة من الدهر» گفته می‌شود (ابن فارس معجم مقائیس اللغة، ج ۵، ص ۳۵۲؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، ص ۷۷۶).

در اصطلاح، امالی غالباً عناوین برخی کتب حدیثی است که احادیث شنیده شده از امالی شیخ، چه از حفظ و چه از روی کتابش، در آن درج شده است» (تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۳۰۵)؛ به عبارتی دیگر امالی غالباً به کتاب حدیثی اطلاق می‌شود که شیخ حدیث در مجالس متعدد آن را املا کرده است و از این رو، آن را «مجالس» نیز می‌نامند» (مدیر شانه‌چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۳۰ و ۳۱).

نقش عالمان امامیه در کنار دیگر گروه‌های مسلمان در پدید آوردن مجموعه‌های امالی به خصوص در سده ۴ و ۵ قمری حائز اهمیت است؛ به عنوان نمونه‌های شاخص، باید از امالی مشاهیری چون شیخ صدوق (۳۸۱) و شیخ مفید (۴۱۳) یاد کرد. درست در همین دوران امالی شیخ طوسی (م ۴۶۰) نگارش یافت.

امالی شیخ طوسی آخرین گفتارهای علمی وی به شمار می‌رود که از سال ۴۵۵ ق آغاز شده و در روز ۹ ذی الحجه سال ۴۵۸ پایان پذیرفته است (انصاری قمی، مقاله امالی شیخ طوسی، ص ۱۵۶). امالی شیخ دارای دو بخش است. با توجه به اینکه در بخش اول، شیخ طوسی مشایخ روایی خود را ذکر کرده، مشخص می‌شود که این بخش املا و روایت خود شیخ است. وی در آغاز بخش اول می‌گوید: «أملی علينا ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان، قال حدثنا ابوالطیب الحسين بن علی بن محمد التمار...» (طوسی، امالی، ص ۳). در ابتدای مجلس دهم می‌گوید: «اخبرنا ابو عمر عبدالواحد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن مهدی...» (همان، ص ۲۵۷). این بخش دارای ۱۸ مجلس است. این مجالس را فرزند شیخ پس از

(م ۵۵۳ق)،<sup>۱</sup> شیخ حر عاملی،<sup>۲</sup> علامه مجلسی،<sup>۳</sup> سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ق)،<sup>۴</sup> به نقل از شیخ طوسی این روایت را گزارش کرده‌اند.

ابن خشاب بغدادی<sup>۵</sup> (م ۵۶۷ق) در تاریخ موالید الائمة و وفیاتهم عبارتی شبیه حدیث مذکور

→

درگذشت شیخ، در حرم علوی به سال ۵۰۹ مجدداً برای شاگردان خود املا کرده است (تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۳۰۹). به بخش دوم این امالی (که از مجلس ۱۹ شروع و به مجلس ۴۶ ختم می‌شود)، چون املا خود شیخ و روایت فرزند شیخ است «امالی ابن الشیخ» گفته می‌شود. از این امالی به سبب آنکه ابوعلی، فرزند شیخ، آغاز هر درس را با عبارت «مجلس...» آغاز کرده است، با نام «المجالس» نیز یاد می‌شود (انصاری قمی، مقاله امالی شیخ طوسی، ص ۱۵۷).

امالی شیخ دارای ۱۵۳۷ حدیث است که شامل موضوعاتی همچون فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام (قریب ۶۰ درصد مطالب کتاب)، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شرح وقایع زندگانی آن حضرت، زندگانی حضرت زهرا و امامان معصوم علیهم السلام، شخصیت‌های صدر اسلام، سنت‌های حسنة اسلامی و روایات تفسیری است (همان).

از نکات دیگر امالی شیخ طوسی آن است که وی بر اساس مجموعه‌های احادیثی که شیخ از استادان شیعی خود در اختیار داشته روایاتی نقل کرده است. بخش بسیار مهم دیگر آن مجموعه‌ای است از احادیثی که او از مشایخ سنی مذهب خود در بغداد اخذ کرده است. بنابر همان سنت، شماری از آن مشایخ خود صاحب مجالسی در حدیث بوده‌اند و از آن‌ها امالی‌هایی در اختیار شیخ قرار داشته است. شیخ از آن امالی‌ها یا اجزای دیگر حدیثی، روایاتی را متناسب با موضوعات مورد علاقه‌اش و عمدتاً در موضوعات شیعی در کتاب امالی خود دستچین کرده است (حسن انصاری، بررسی‌های تاریخی، <http://ansari.kateban.com/archive>).

۱. طبری، بشارة المصطفی، ص ۱۸۳.

۲. شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳. شیخ حر عاملی، الجواهر السنیه، ج ۱، ص ۴۴۱. در این کتاب به جای «الغمامة» واژه «عمامة» آمده است.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۲ و ج ۵۲، ص ۳۷۸.

۵. ر.ک: بحرانی، الإنصاف، ص ۴۸۴.

۶. أبو محمد عبد الله بن أحمد بن أحمد بن أحمد معروف به ابن خشاب از علمای حنبلی اهل سنت است که در سال ۴۹۲ق به دنیا آمده است. علم و دانش او در میان اهل سنت شهره است به طوری که ابن خلکان درباره او می‌گوید: «ابن خشاب بغدادی، عالم مشهور در ادب، نحو، تفسیر، حدیث، نسب، فرائض، حساب» (ابن خلکان، ج ۳، ص ۱۰۲). برخی دیگر او را محدث و امام نحو می‌دانند و او را هم رتبه ابوعلی فارسی می‌شمزند (ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۲۰، ص ۵۲۳). مورخان درباره روحیه اجتماعی و سیاسی او مطالبی بیان کرده‌اند که مجال دیگری می‌طلبد؛ اما آنچه که بیشتر این عالم را شهره کرده، دانش نحوی او بوده است. تاریخ الموالید اثر اوست. تنها سید محمدرضا جلالی متن تاریخ الائمة را با تاریخ

بدین صورت ذکر کرده است: «یظهر فی آخر الزمان علی رأسه غمامة تظله من الشمس تدور معه حیثما دار تنادی بصوت فصیح: هذا المهدي».<sup>۱</sup> سپس کشف الغمة،<sup>۲</sup> اثبات الهداة،<sup>۳</sup> حلیة الابرار،<sup>۴</sup> بهجة النظر<sup>۵</sup> و بحار الانوار<sup>۶</sup> این گزارش را به عنوان روایت نقل کرده‌اند. از منابع معاصر اُبهی الدرر فی أخبار الإمام المنتظر،<sup>۷</sup> منتخب الاثر،<sup>۸</sup> معجم احادیث امام مهدی،<sup>۹</sup> فی رحاب حکومت الإمام المهدي،<sup>۱۰</sup> به طور مشترک قسمت مذکور را از قول امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند. بررسی و صحت استناد کلام ابن خشاب به عنوان حدیث معصومان علیهم السلام در ادامه خواهد آمد.

### اعتبار سنجی روایت ابو محمد فحام

شیخ طوسی سند روایت را بدین گونه نقل کرده است: أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي، قَالَ:

→

ابن ابی الثلج یکی می‌داند که به نظر، دچار اشکال است؛ چرا که نسخه ابن ابی الثلج محبوب است و نسخه ابن خشاب چنین نیست. علاوه بر این، هر دو متن از لحاظ ساختار تألیف و سند آغازین و اسناد پراکنده داخل متن با یکدیگر تفاوت دارند؛ به طوری که روشن است که به دو تألیف جدا و از دو مؤلف مختلف مربوطند. به هر روی او در ۷۵ سالگی، در سال ۵۶۷ در خانه قاضی ابوالقاسم بن فواز دنیا رفت.

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان ظهور می‌کند. بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هرجا برود، آن ابر نیز می‌رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدایی رسا و آشکار، ندا می‌دهد، این مهدی است.

۲. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۲۸.

۴. بحرانی، حلیة الابرار، ج ۶، ص ۴۶۶.

۵. بحرانی، بهجة النظر، ص ۱۷۷.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۴.

۷. بهاری همدانی، اُبهی الدرر، ص ۹۴.

۸. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۷۸، کشف الغمة: قال ابن الخشاب -رحمه الله-:

۹. کورانی، معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۲۴۴ «یظهر فی آخر الزمان، علی رأسه غمامة تظله من الشمس، تدور معه حیثما دار، ینادی (تنادی) بصوت فصیح: هذا المهدي».

۱۰. طبسی، فی رحاب حکومت المهدي علیه السلام، ص ۱۱۰.

حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّأْسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَلَمَةَ يَحْيَى بْنُ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَخِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ سَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: ...  
 راویان روایت به ترتیب نقل در سند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

۱. أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْفَحَّامِ سَامِرَائِي (م ۴۰۸). وی از علما و دانشمندان اهل سنت است. شهرت وی بیشتر در مباحث قرآنی است و به عنوان یک معلم قرآن و تجوید شناخته شده است.<sup>۱</sup> ابن جزری در غایة النهاية فی طبقات القراء او را با عبارات: فقیه، شیخ و استادی زبردست توصیف کرده است.<sup>۲</sup> برخی او را بر مذهب شافعی با گرایش‌های شیعی توصیف کرده‌اند؛<sup>۳</sup> بدین معنا که او در محبت به اهل بیت افراط کرده و امام علی علیه السلام را از شیخین برتر می‌داند.<sup>۴</sup> ذهبی او را فقیه و عارف به مذهب شافعی می‌داند دو کتاب انکار غسل رجليں و آیات منزلة فی اهل البيت را از او می‌داند که کتاب دوم را شیخ طوسی از او اخذ کرده است.<sup>۵</sup> در مجموع با توجه به تعابیر ذکر شده مانند تعبیر «شیخ»، وثاقت او ثابت می‌شود.

در منابع شیعی، شیخ طوسی به وی توجه ویژه‌ای داشته و در بغداد از وی روایت نقل کرده است.<sup>۶</sup> نجاشی طریق خود را به عیسی بن أحمد بن عیسی بن المنصور به وسیله ابومحمد فحام مشخص کرده است.<sup>۷</sup> برخی از معاصران بر همین اساس که وی از مشایخ نجاشی است، وی را

۱. ذهبی، معرفة القراء الکبار، ص ۲۰۸.

۲. ابن جزری، غایة النهاية، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳. کان یتفقه علی مذهب الشافعی، وکان یرمی بالتشیع، ومات بسر من رأى فی سنة ثمان وأربعمائة. رمی تشیع، بدین معنا است که او در محبت به اهل بیت افراط کرده و امام علی علیه السلام را بر شیخین برتر می‌داده است (سید عبد الماجد الغوری، موسوعة علوم الحدیث و فنونه، ج ۲، ص ۱۵۲).

۴. بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۴۵۱.

۵. ذهبی، معرفة القراء الکبار، ص ۲۰۸.

۶. رک: طوسی، امالی، ص ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷؛ طبری عاملی، بشارة المصطفی، ص ۱۳۳.

۷. نجاشی می‌گوید: أخبرنا أبو محمد الحسن بن محمد بن یحیی بن داود الفحام قال: حدثنا أبو الحسن محمد بن أحمد بن عبید الله بن أحمد بن عیسی قال: حدثنا عم أبي موسى عیسی بن أحمد، عن أبي الحسن عليه السلام بالنسخة (نجاشی، رجال، ص ۲۹۷).

ثقه می‌دانند.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان از اعتماد شیخ طوسی و نجاشی به وثاقت ابو محمد دست یافت.

۲. عمر بن یحیی الفحام: عمر بن یحیی بن داود ابوالقاسم البزاز السامری از راویان اهل سنت است. بغدادی او را ثقه می‌داند.<sup>۲</sup> در منابع شیعی توصیفی از وی وجود ندارد و مجهول دانسته شده است.<sup>۳</sup>

۳. ابوالعباس احمد بن عبدالله بن علی الراس: در بین رجال فریقین مجهول است.

۴. ابوعبدالله عبدالرحمن بن عبدالله العمری: در بین رجال فریقین ذکری از او نیست.

۵. یحیی بن المغیره بن إسماعیل معروف به ابوسلمه مدنی (م ۲۵۳ یا ۲۶۰ ق) از راویان اهل سنت است. برخی او را صدوق و ثقه می‌دانند.<sup>۴</sup> ابن حبان نام وی را در الثقات آورده است و درباره او می‌گوید: او بر مذهب مالک است و احادیث متفرد (یغرب) نقل کرده است.<sup>۵</sup> در اکمال التهذیب درباره او آمده است که نوع روایات او از افراد ضعیف نقل شده است.<sup>۶</sup> بنابراین بین پذیرش و عدم پذیرش روایات منقول از او اختلاف وجود دارد.

۶. محمد بن المغیره بن إسماعیل بن آیوب القرشی المخزومی المدنی: با توجه به روایت برادرش یحیی بن مغیره از این راوی، او محمد بن مغیره المخزومی شناخته شد.<sup>۷</sup> ابن حجر او را ثقه می‌داند.<sup>۸</sup> ابن حبان نام او را در الثقات ذکر کرده است و نقل روایات مفرد (یغرب) را به او

۱. خویی، معجم رجال حدیث، ج ۵، ص ۱۳۳.

۲. بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۹۴.

۳. نمازی، مستدرکات علم رجال، ص ۱۱۹.

۴. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۲۳۳.

۵. ابن حبان، الثقات، ج ۹، ص ۲۶۶ یغرب کَانَ یَتَفَقَهُ عَلَی مَذْهَبِ مَالِك، اتصاف راوی به لفظ یغرب دلیلی بر ذم او نیست و تنها دالالت دارد که وی احادیث متفرد نقل کرده است.

۶. بکجری مصری، اکمال تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۳۶۸.

۷. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۹، ص ۴۱۷.

۸. همان.

نسبت می‌دهد.<sup>۱</sup> ذهبی درباره او تنها عبارت «شیخ» که از الفاظ تعدیل است به کار برده است. بنابراین دلیلی بر ذم او وجود ندارد و می‌توان او را ثقه دانست.

۷. محمد بن سنان در بین رجال شیعه بین دو نفر مشترک است:

الف. محمد بن سنان الزاهری الکوفی: از معروف‌ترین راویان حدیث شیعی است که جزء اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام است.<sup>۲</sup> درباره توثیق و عدم توثیق وی در بین دانشمندان علم رجال اختلاف وجود دارد.<sup>۳</sup> در روایت مذکور محمد بن سنان زاهری نمی‌تواند باشد؛ چرا که او به طور مستقیم نمی‌تواند از امام صادق علیه‌السلام روایت نقل کند.

ب. محمد بن سنان بن طریف هاشمی: شیخ طوسی وی را از اصحاب امام صادق علیه‌السلام دانسته است؛ ولی نشانه و شرح حالی از او در دست نیست.<sup>۴</sup> ابن شهر آشوب در بیان تاریخ و احوالات امام صادق علیه‌السلام از فردی به نام «محمد بن سنان» به عنوان باب امام صادق علیه‌السلام یاد کرده است.<sup>۵</sup> اما با توجه به اینکه از محمد بن مغیره در سال ۲۲۰ در دمشق حدیث شنیده شده و از طرفی دیگر تاریخ ولادت و وفات وی در دست نیست، نقل وی از محمد بن سنان بن طریف با مشکل روبه‌رو می‌شود؛ خصوصاً اینکه دوران نقل حدیث وی با امام صادق علیه‌السلام و صحابی ایشان حدود ۷۰ سال فاصله است؛ مگر اینکه در بین این دو شخص، محدثی وجود داشته باشد که در حدیث درج نشده یا از اساس بگوییم مراد از ابن سنان همان سنان زاهری است که باز باید بین او و امام صادق علیه‌السلام واسطه‌ای در نقل وجود داشته باشد.

در جمع‌بندی سندی این روایت با توجه به وجود افراد عامی، مجهول و مهمل بودن آنان و همچنین عدم تشخیص محمد بن سنان، روایت ضعیف است.

۱. ابن حبان، الثقات، ج ۹، ص ۱۱۷.

۲. خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۵۳.

۳. رک: علی اکبر ایزدی فرد و همکاران، «وثاقت محمد بن سنان در ترازوی نقد و بررسی»، مجله علوم حدیث.

۴. طوسی، رجال، ص ۲۸۳.

۵. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۲۸۰.



## بررسی روایات هم‌خانواده و مشابه در منابع دیگر

بر اساس اصل هماهنگی میان سخنان ائمه و پیوند گفته‌های آنان با یکدیگر، می‌توان چنین گفت که یافتن و کنار هم قرار دادن احادیث هم‌مضمون، چینش قطعه‌هایی از يك تصوير نامشخص است که با نشاندن هر قطعه در جایگاه واقعی و درست خود، به سیما و نمای نهایی تصویر، نزدیک‌تر می‌شویم. بر این اساس، در بازیابی احادیث هم‌مضمون، یافتن احادیث مربوط با حدیث مورد نظر ما ضروری است. با بررسی‌های صورت گرفته در بین احادیث، مجموع گزارش‌های حدیث لوح و گزارش ابن خشاب می‌تواند به عنوان خانواده این حدیث مورد بررسی قرار گیرد. رهاورد این بررسی به تشخیص اصالت شیعی یا غیر شیعی بودن این فقره از متن کمک کند.

### الف. گزارش‌های حدیث لوح

در این روایت در معرفی حضرت، سخن از وجود ابری با دو ویژگی به میان آمده است: اول اینکه بر سر مبارک امام سایه می‌افکند، دوم به زبان فصیح امام عصر علیه السلام را معرفی می‌کند؛ به طوری که تمام عالم آن را می‌شنوند. با توجه به اینکه مسئله ابر با ویژگی‌های خاص آن در حدیث لوح آمده گزارش‌های دیگر از نظر می‌گذرد:

۱. گزارش طولانی ابی بصیر: ...أَكْمَلُ ذَلِكَ بِأَيِّهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءِ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ فَيُذَلُّ أَوْلِيَايَ فِي زَمَانِهِ وَتَهَادَى رُءُوسُهُمْ كَمَا تَهَادَى رُءُوسُ الشُّرْكِ وَالدَّيْلَمِ فَيُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْغُوبِينَ وَجِلِينَ تُصْبَعُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَيَنْفُشُ الْوَيْلُ وَالرَّتَّةُ فِي نِسَائِهِمْ أَوْلِيَايَ حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ أَوْلِيَايَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلِيَايَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.<sup>۱</sup>

۱. «... و این رشته را به وجود پسر او «م ح م د» که رحمت برای جهانیان است کامل کنم. او کمال موسی و رونق عیسی و صبر ایوب دارد. در زمان او دوستانم خوار گردند و سرهای آنها را برای يك دیگر هدیه فرستند؛ چنانکه سرهای ترك و دیلم را به هدیه فرستند. ایشان را بکشند بسوزانند، و آنها ترسان و بیمناک و هراسان باشند. زمین از خورشان رنگین گردد و ناله و ویلا در میان زنانشان بلند شود. آنها دوستان حقیقی من هستند. به وسیله آنها هر آشوب سخت و تاریک را بزدايم و از

۲. روایت ابی جارود از امام باقر علیه السلام: لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَأَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ.<sup>۱</sup>

۳. گزارش جابر بن یزید جعفی: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ علیه السلام عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مَوْلَاتِي فَاطِمَةَ عَ وَ قَدَّامَهَا لَوْحٌ... هِيَ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا فَقُلْتُ أَسْمَاءُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَتْ هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أَوْلَهُمُ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي آخِرُهُمُ الْقَائِمُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ جَابِرٌ فَرَأَيْتُ فِيهَا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ وَ عَلِيًّا وَ عَلِيًّا وَ عَلِيًّا فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ.<sup>۲</sup>

۴. گزارش ابونضره در جریان شهادت امام باقر علیه السلام: ...أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ الْقَائِمُ أُمَّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.<sup>۳</sup>

۵. گزارش استرآبادی در تأویل الآيات:

برخی از مفسران که تفسیر آنان صبغه روایی دارد، ذیل آیه ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ﴾<sup>۴</sup> شبیه حدیث لوح را بدین گونه آورده اند:

«ما رواه المقلد بن غالب بن الحسن رحمه الله عن رجاله بإسناد متصل إلى عبد الله بن سنان

→

برکت آنها شبهات ومصیبات و زنجیرها را بردارم، درودها و رحمت پروردگارشان بر آنها باد، و تنها ایشانند هدایت شدگان»: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۱. «بر فاطمه علیه السلام وارد شدم و در مقابل وی لوحی بود که اسماء اوصیا در آن مکتوب بود. آنها را شمردم؛ دوازده نام و آخر

ایشان قائم بود. سه نام آن‌ها محمد و چهار نام آن‌ها علی بود»: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. جابر بن عبدالله انصاری گوید: بر مولایم حضرت زهرا وارد شدم و جلوی روی ایشان لوحی بود ... آن‌ها را شمردم و دوازده

نام بود. گفتم: «اینها اسامی چه کسانی است؟» فرمود: «اینها اسامی اوصیاست؛ اولین ایشان پسرعموی من و یازده نفر دیگر

از فرزندان من هستند که آخرین آنان قائم صلوات الله علیهم اجمعین است». جابر گوید: «نام محمد در سه موضع و نام

علی در چهار موضع آن بود»: همان، ص ۳۱۱.

۳. «...أبو القاسم محمد بن الحسن او حجت الله القائم است، مادرش کنیزی است به نام نرجس. درود خدا بر همگی آنان

باد»: صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱.

۴. سوره توبه: ۳۶.

الأسدي عن جعفر بن محمد ع قال: ... يخرج منه ذو الاسمين خلف محمد يخرج في آخر الزمان و على رأسه غمامة بيضاء تظله من الشمس و ينادي مناد بلسان فصيح يسمعه الثقلان و من بين الخافقين هذا المهدي من آل محمد فيملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً».

این روایت ابتدا از سوی استرآبادی در تأویل الآيات الظاهرة<sup>۱</sup> سپس مشهدی در کنز الدقائق و بحر الغرائب<sup>۲</sup> و سید هاشم بحرانی در البرهان فی تفسیر القرآن<sup>۳</sup> حدیث را از ابوطاهر مقلد بن غالب (ناشناس) از عبدالله بن سنان اسدی نقل کرده‌اند. در زنجیره سند آن مقلد بن غالب وجود دارد که درباره وی مطلبی یافت نشد. تنها در تأویل الآيات الظاهرة سه روایت از وی نقل شده است. شاید با توجه به ترجم استرآبادی بتوان گفت وی از مشایخ ایشان است. بعد از وی به عبدالله بن سنان اشاره شده است. وی اگر همان ابن سنان الأُسدي الكوفي باشد، مجهول است و تنها نام او به عنوان صحابی امام صادق عليه السلام ذکر شده است.<sup>۴</sup> بنابراین سند این روایت اعتباری ندارد.

اما از لحاظ دلالت، تفاوتی که در فقره پایانی دیده می‌شود منادی در اینجا ابر نیست؛ بلکه منادی دیگری (که گویا ندای آسمانی است) حضرت را معرفی می‌کند.<sup>۵</sup> می‌توان این روایت را با روایات دیگری که سخن از ندای آسمانی در آن آمده هماهنگ دانست. بنابراین در این گزارش‌ها اصل حدیث لوح و انتقال آن از سوی جابر بن عبدالله به دیگران پذیرفتنی است؛ اما عبارات پایانی آنها، تنها بخشی از آن توسط استرآبادی نقل شده است.

### ب. تاریخ الموالید ابن خشاب

تاریخ الموالید، اثری است در شناسایی اجمالی زندگانی چهارده معصوم عليهم السلام که از جمله به معرفی امام عصر عليه السلام پرداخته است. این کتاب، مباحث تاریخی را در بر دارد؛ اما چون با

۱. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۲۱۲.

۲. مشهدی قمی، کنز الدقائق، ج ۵، ص ۴۵۴.

۳. بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۷۷۵.

۴. طوسی، رجال، ص ۲۴۲.

۵. «يخرج في آخر الزمان و على رأسه غمامة بيضاء تظله من الشمس و ينادي مناد بلسان فصيح يسمعه الثقلان و من بين الخافقين هذا المهدي من آل محمد فيملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً».

استناد به روایت مباحث خود را پی گرفته، یک کتاب روایی است. از نکات درخور توجه اینکه وی در ذیل نقل روایات، بیاناتی در توضیح و تبیین آن معصوم افزوده است. در شرح حال امام دوازدهم هم بر همین روش عمل کرده است؛ اما بعدها برخی به اشتباه کلام وی را به عنوان حدیث ذکر کرده‌اند. وی در نقلی آورده است:

حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ طَاهِرُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ هَارُونَ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى قَالَ قَالَ سَيِّدِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلْفِ الصَّالِحِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْمُهْدِيُّ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُقَالُ لِأُمِّهِ صَقِيلٌ. قَالَ لَنَا أَبُو بَكْرٍ الدَّرَّاعُ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بَلْ أُمُّهُ حَكِيمَةٌ وَ فِي رِوَايَةٍ ثَالِثَةٍ يُقَالُ لَهَا نَرْجِسُ وَ يُقَالُ بَلْ سَوْسَنُ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِذَلِكَ وَ يُكْتَبُ بِأَبِي الْقَاسِمِ وَ هُوَ ذُو الْإِسْمَيْنِ خَلْفٌ وَ مُحَمَّدٌ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ تَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ يُنَادِي بِصَوْتٍ فَصِيحٍ هَذَا الْمُهْدِيُّ.<sup>۱</sup>

با اندک تأملی در متن ابن خشاب می‌توان متن وی را به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ طَاهِرُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ هَارُونَ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى قَالَ قَالَ سَيِّدِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلْفِ الصَّالِحِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْمُهْدِيُّ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ..

همانطور که مشخص است این بخش جزء احادیث منقول از ابن خشاب است.

بخش دوم: يُقَالُ لِأُمِّهِ صَقِيلٌ. قَالَ لَنَا أَبُو بَكْرٍ الدَّرَّاعُ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بَلْ أُمُّهُ حَكِيمَةٌ وَ فِي رِوَايَةٍ ثَالِثَةٍ يُقَالُ لَهَا نَرْجِسُ وَ يُقَالُ بَلْ سَوْسَنُ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِذَلِكَ وَ يُكْتَبُ بِأَبِي الْقَاسِمِ وَ هُوَ ذُو الْإِسْمَيْنِ خَلْفٌ وَ مُحَمَّدٌ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ تَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ يُنَادِي بِصَوْتٍ فَصِيحٍ هَذَا الْمُهْدِيُّ.

۱. مجموعه نفیسه (کتاب تاریخ تاج الموالید و وفیاتهم، ص ۱۴۹). مجموعه نفیسه اثر تعدادی از علمای بزرگ شیعه می‌باشد که چند کتاب نفیس در تاریخ زندگانی امامان شیعه در خود جای داده است. این مجموعه، آن طور که از مقدمه ناشر برداشت می‌شود، یک مجموعه کتاب‌های خطی بوده است که به همت مرحوم آیت الله مرعشی نجفی و از سوی دار الفارسی لبنان تجدید چاپ شده است؛ اما اینکه این مجموعه به دست چه کسی جمع‌آوری شده چیزی یافت نشد.

بخش دوم کلام ابن خشاب است که از ابوبکر ذراع<sup>۱</sup> اسم مادر حضرت را به نام صقیل نقل کرده است و در ادامه، گزارش‌های دیگر را مطرح می‌کند. در پایان مجدد با عبارت «والله اعلم بذلک» علم آن را به خداوند واگذار می‌کند، سپس مجدد به کنیه و اسم امام اشاره دارد و در پایان عبارت «یظهر فی آخرالزمان» را به کار برده است. بنابراین می‌توان گفت این حاشیه ادامه کلام امام صادق علیه السلام نیست؛ بلکه توضیح مؤلف کتاب است و بعدها به سبب عدم توجه به عنوان روایت، وارد متون شیعی شده است.

آنچه می‌تواند این احتمال را تقویت کند، نقل شیخ حر عاملی از کتاب مقصد الراغب الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب با سند اهل سنت می‌باشد که تنها همان قسمت اول روایت را بدین گونه نقل کرده است: و یسناد ذکره (الحسین بن محمد بن الحسن من علمائنا فی کتاب مقصد الراغب الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب) من طرق العامة عن الصادق علیه السلام قال: الخلف الصالح من ولدی و هو المهدي، اسمه محمد، و کنيته أبو القاسم یخرج فی آخرالزمان.<sup>۲</sup> بنابراین مشخص است که روایت ادامه‌ای ندارد و الا می‌بایست ذکر می‌شد. بنابراین این شکل حدیث، با حدیث لوح منقول در امالی همخوانی و مشابهت دارد و در منابع امامیه آمده است؛ اما اصل آن نه تنها روایت نیست، بلکه متنی از اهل سنت است.

### قرائن عامی بودن حدیث/امالی طوسی

از آنچه گذشت مشخص شد در متون ما چنین حدیثی به غیر از امالی طوسی مشابهت ندارد. از طرفی دیگر در منابع اهل سنت در روایاتی سخن از ابر و منادی وجود دارد که می‌تواند قرینه‌ای بر عامی بودن روایات قبل باشد؛ خصوصا اینکه راویان امالی هم عامی بوده‌اند. نمونه‌ای از این روایت - هر چند ضعیف - ذکر می‌شود:

۱. أبو بکر أحمد ابن نصر بن عبد الله بن الفتح الزارع النهرواني است که ابن خشاب با واسطه، احادیث کتاب خود را از او نقل کرده است.

۲. حرعاملی، اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۵.

## ۱. نقل ابن المقرئ<sup>۱</sup>

ابن المقرئ (م ۳۸۱) از عبدالله بن عمرو بن عاص از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده است: **يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ مِنْ قَرْيَةٍ بِالْيَمِينِ يُقَالُ لَهَا: كَرِعَةٌ، وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي: أَلَا إِنَّ هَذَا الْمُهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ.**<sup>۲</sup>

پس از وی گنجی شافعی در البیان فی اخبار صاحب الزمان،<sup>۳</sup> سیوطی در العرف الوردی به نقل از ابونعیم اصفهانی<sup>۴</sup> این روایت را نقل کرده‌اند. سپس دیگران این حدیث را در منابع خود آورده‌اند. از معاصران، عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی در الموسوعة فی احادیث المهدي الضعيفة و الموضوعة حدیث مذکور را نقل کرده است. وی علت ضعف را به سبب عدم اطلاع از اسانید آن بیان کرده است؛<sup>۵</sup> این در حالی است که اسناد این روایت در منابع حدیثی نقل شده است؛ اما نقل سند دلیل بر اعتبار سند نیست؛ زیرا این روایت از جانب اهل سنت به دلیل وجود عبدالوهاب بن ضحاک تضعیف شده است.<sup>۶</sup> همچنین محمد بن تمام صالح توثیق خاص ندارد. درباره او گفته شده است: منکرات یعنی از راویان ضعیف نقل می‌کند.<sup>۷</sup>

## ۲. ابوالقاسم طبرانی

شبهه روایت قبل ابوالقاسم طبرانی (م ۳۶۰) در مسند الشامیین از عبدالله بن عمرو از پیامبر خدا ﷺ نقل کرده است: **«يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي إِنَّ هَذَا الْمُهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ».**<sup>۸</sup>

روایت طبرانی هم به سبب وجود عبدالوهاب بن ضحاک ضعیف است. احتمال دارد این دو روایت به دلیل شباهت مضمونی و وجود عبدالوهاب بن ضحاک، در اصل یک روایت باشد.

۱. أبو بكر محمد بن إبراهيم بن علي بن عاصم بن زاذان الأصبهاني الخازن، المشهور بابن المقرئ.

۲. زاذان اصفهانی، المعجم، ص ۵۸.

۳. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۱۱.

۴. رک: العرف الوردی، ص ۹۷ به نقل از ابونعیم اصفهانی.

۵. بستوی، الموسوعة فی احادیث المهدي الضعيفة و الموضوعة، ص ۳۷۵.

۶. رک: جرجانی، الكامل فی الضعفاء، ج ۶، ص ۵۱۴؛ ذهبی، معرفة الکبار، ج ۲، ص ۶۷۱.

۷. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۹۸.

۸. طبرانی، مسند الشامیین، ج ۲، ص ۷۱.

### ۳. نقل‌های تاریخی

از احتمالات دیگری که می‌توان بر سنی بودن این مسئله اشاره کرد، وجود چندین گزارش درباره پیامبر خدا ﷺ است. طبری در این باره نقل کرده است:

حضرت ابوطالب با کاروان قریش برای تجارت، قصد سفر به سوی شام داشتند که در این سفر پیامبر خدا که کودکی بیش نبود ایشان را همراهی کرد. در بین راه به صومعه‌ای رسیدند که راهبی به نام بحیرا زندگی می‌کرد. او دید ابری بر پیامبر خدا سایه افکنده است و در نقاط مختلف، ایشان را همراهی می‌کند. او زمانی که این صحنه را مشاهده کرد به پیامبر خدا خیره شد و در تن پیامبر به چیزهایی نگریست که صفت آن را در کتب دیده بود. آنگاه پشت ایشان را نگریست و خاتم نبوت را میان دو بازوی او دید. سپس با دیدن این صحنه‌ها حضرت ابوطالب را سوگند داد تا برای امان ماندن پیامبر از یهود، ایشان را به مکه بازگرداند. حضرت ابوطالب ایشان را به مکه برگرداند.<sup>۱</sup>

علاوه بر وی ترمذی در جامع الکبیر<sup>۲</sup> حاکم در المستدرک علی الصحیحین<sup>۳</sup> با اندکی اختلاف به این مسئله اشاره دارند. در برخی نقل‌ها آمده است که ابوبکر به بلال امر کرد که پیامبر را تا مکه همراهی کند.<sup>۴</sup> همین امر باعث شد برخی پژوهشگران شیعی و سنی، این داستان را مورد انکار قرار داده، در شیعه نقل آن را تنها برای قداست‌بخشی به ابوبکر و ایمان زود هنگام وی به پیامبر مطرح کنند. برای جعلی بودن آن قرائنی ذکر کرده‌اند:

۱. ابوبکر دو سالی از پیامبر کوچک‌تر و بلال هم چند سالی (۵ تا ۱۰ سال) از ابوبکر کوچک‌تر بوده است و امکان دستور به بلال وجود ندارد؛

۲. با توجه به سن کم بلال امکان مسافرت طولانی برای او در چنین شرایطی وجود ندارد؛

۳. مالک بلال در آن دوران، امیه بن خلف بوده است و بعدها در سنین سی سالگی به بعد - بنا بر قولی - ابوبکر او را خریده است؛

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۲۷۸ و ۲۸۰؛ ابن سعد، طبقات الکبیر، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. ترمذی، جامع الکبیر، ج ۶، ص ۲۰.

۳. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۷۲.

۴. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۲۷۸ و ۲۸۰.

۴. ابوبکر از اساس در این سفر قریش را همراهی نکرده است.<sup>۱</sup>

در اهل سنت هم ترمذی و ذهبی این داستان را غریب و موضوع می‌دانند.<sup>۲</sup>

این جریان در میان فریقن با تردید روبه‌رو شد؛ اما نقل آن در منابع تاریخی، قرینه‌ای است بر اینکه چنین گفتمانی در میان اهل سنت وجود داشته و سپس به منابع دیگر از جمله احادیث راه یافته است.

شاید بتوان گفت وجود چنین نگاه اسطوره‌ای به پیامبر خدا ﷺ از جانب ناقلان این قضیه و همچنین ارتباط تنگاتنگ پیامبر خدا با امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى در برخی اوصاف، باعث شد برای منجی پایانی بشریت چنین اعجازی نقل شود.

۱. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۸.

۲. رک: ترمذی، الجامع الکبیر، ج ۶، ص ۲۰؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۷۲.



## نتیجه‌گیری

شیخ طوسی در امالی روایتی از طریق راویان اهل سنت نقل کرده که در آن با توصیفی خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. این حدیث از لحاظ منبع فقط در همان کتاب نقل شده و بعدها در منابع دیگر راه یافته است که به نوعی یک حدیث مفرد تلقی می‌شود. این روایت، از لحاظ سندی با توجه به راویان ناشناخته و ضعیف، مورد مناقشه جدی قرار گرفت. از طرفی دیگر با توجه به عدم ذکر این مضمون در احادیث لوح نتوانستیم اصالت شیعی بودن آن را اثبات کنیم.

با توجه به نقل‌های دیگر هم مضمون روایت فوق در منابع اهل سنت مانند متن ابن خشاب در تاریخ الموالد و کتاب‌های حدیثی دیگر و وجود یک گزاره تاریخی درباره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم احتمال منتقله بودن این روایت از منابع اهل سنت به شیعه تقویت شد. البته انتقال آن به شیعه بدین معنا نیست که این آموزه و مانند آن، مورد انکار یا تردید قرار گیرد؛ چرا که در متون حدیثی شیعه شبیه این سنخ گزارش‌ها وجود دارد.

## منابع

۱. ابن الجزري، شمس الدين أبو الخير، *غاية النهاية*، مكتبة ابن تيمية، ۱۳۵۱ق.
۲. ابن بابويه، محمد بن علي، *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، تحقيق: مهدي لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۳. \_\_\_\_\_، *كمال الدين وتمام النعمة*، تحقيق: علي أكبر غفاری، اسلاميه، تهران، ۱۳۹۵.
۴. ابن فارس، احمد، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق و تصحيح: عبدالسلام محمد هارون، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، ۱۴۰۴ق.
۵. اربلي، علي بن عيسى، *كشف الغمة*، تحقيق: سيد هاشم رسولی محلاتي، بني هاشمی، تبريز، ۱۳۸۱ق.
۶. استرآبادی، علي، *تاويل الآيات الظاهرة*، تحقيق: حسين استاد ولي، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۴۰۹ق.
۷. انصاری قمی، محمدرضا، *امالی شيخ طوسي*، كيهان انديشه، شماره ۵۶، ۱۳۷۳.
۸. ايزدی فرد، علي أكبر و همكاران، *وثاقت محمد بن سنان در ترازوی نقد و بررسی*، مجله علوم حديث، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۶.
۹. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عوامل العلوم - الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام*، تحقيق: محمدباقر موحد ابطحي اصفهانی، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ۱۳۸۲ق.
۱۰. بحرانی، سيد هاشم، *البرهان*، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، مؤسسه بعثة، قم، ۱۳۷۴.
۱۱. \_\_\_\_\_، *الإصناف*، ترجمه: سيد هاشم رسولی محلاتي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران، ۱۳۷۸.
۱۲. \_\_\_\_\_، *حلية الأبرار*، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۳. بستوی، عبدالعليم عبدالعظيم، *الموسوعة في احاديث المهدي الضعيفه و الموضوعه*، دار ابن حزم، مکه، ۱۴۲۰ق.
۱۴. بکجری مصري، أبو عبدالله علاء الدين، *إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال*، تحقيق: أبو عبدالرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، ناشر: الفاروق الحديثية، ۱۴۲۲ق.
۱۵. ترمذی، ابو عيسى، *الجامع الكبير*، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، بيروت، ۱۹۹۸م.
۱۶. تهرانی، آقابزرگ، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، اسماعيليان، قم، بی تا.
۱۷. جرجانی، أبو أحمد بن عدي، *الکامل في ضعفاء الرجال*، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود، علي محمد معوض، الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۸ق.
۱۸. جعفر مرتضى عاملی، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، قم دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.
۱۹. حاکم نیشابوری، *مستدرک علی الصحیحین*، مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۱ق.
۲۰. عاملی، جعفر مرتضى، *إثبات الهداة*، اعلمی، بيروت، ۱۴۲۵ق.
۲۱. \_\_\_\_\_، *الجواهر السنیه*، ترجمه: زين العابدين کاظمی خلخالی، انتشارات دهقان، ۱۳۸۰.
۲۲. خطیب بغدادی، أبو بکر أحمد بن علي، *تاريخ بغداد*، تحقيق: بشار عواد معروف، دارالغرب الإسلامي، بيروت، ۱۴۲۲ق.
۲۳. خویی، سيد ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، مرکز نشر آثار شيعه، قم، ۱۴۱۰ق.

۲۴. ذهبی، شمس الدین، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق: مجموعة من المحققين بإشراف شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
۲۵. \_\_\_\_\_، **معرفة القراء الكبار**، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۲۶. \_\_\_\_\_، **تاريخ الإسلام**، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، ۲۰۰۳م.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، تحقيق و تصحيح: صفوان عدنان داوودی، دار القلم - الدار الشامیة، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۲۸. زاذان الأصبهانی الخازن، أبوبکر محمد بن إبراهيم، **المعجم**، تحقيق: عادل بن سعد، مكتبة الرشد، عربستان، ۱۴۱۹ق.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف الله، **منتخب الأثر**، دفتر آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۸۰.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن أحمد، **مسند الشاميين**، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۱. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، **تاريخ الأمم والملوك**، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، **رجال**، حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ق.
۳۳. \_\_\_\_\_، **أمالی**، مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۴. عده ای از علما، **مجموعة نفیسة فی تاریخ الأئمة علیهم السلام**، دار القاری، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳۵. عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علي، **لسان المیزان**، تحقيق: دائرة المعارف النظامية، مؤسسة الأعلمي، بیروت، ۱۳۹۰.
۳۶. کورانی، علی و همکاران، **معجم الأحاديث الإمام المهدي عليه السلام**، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۴۲۸ق.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تحقيق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۸. مازندرانی، ابن شهر آشوب محمد بن علی، **مناقب آل أبي طالب عليه السلام**، علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**، جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۴۰. بُستي، محمد بن حبان، **الثقات**، ناشر: دائرة المعارف العثمانية، هند، ۱۳۹۳.
۴۱. محمدی ری شهری، محمد، **دانشنامه امام مهدی عليه السلام بر پایه قرآن**، ۱۳۹۱.
۴۲. مدیر شانه چی، کاظم، **علم الحديث و دراية الحديث**، پانزدهم، قم، اسلامی، ۱۳۷۹.
۴۳. نوری، حسین بن محمدتقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۰۸ق.